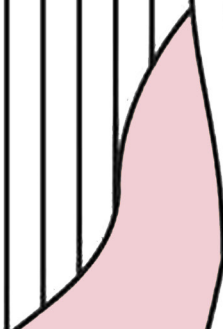
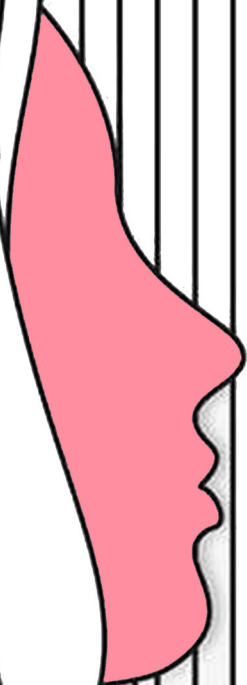
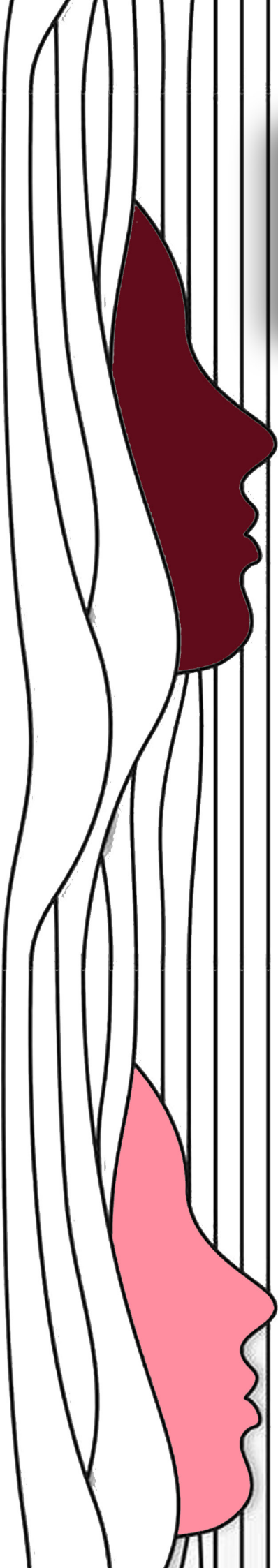


تعبیر چهره یک رویا

گاهنامه صدای۱۱- صدای دختران امیر کبیر - شماره ۳۷ - آبان ۱۴۰۱





گاهنامه صداء، اولین و تنها نشریه فعال دانشگاه امیرکبیر در حوزه زنان است. در اینجا قرار است دغدغه‌های واقعی زنان و دختران را در کنار یکدیگر بررسی، مطالعه و مطالبه کنیم.

همراهان همیشگی صداء! اگر قلم خوبی دارید و تمایل به همکاری در نشریه دارید؛ به آیدی sedaaa_aut پیام دهید.



صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان
(عضو دفتر تحکیم وحدت - تاسیس ۱۳۴۲)

مدیرمسئول: مریم مهربان

سر دبیر: فرناز اینانلو

همکاران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

مریم آخوندی | ریحانه آنالویی | زینب سادات
طباطبایی | زهرا علمی | مائده علیمحمدی |
فاطمه سادات فقهی | مریم مهربان | زینب
مهدوی

طراح جلد: مریم عطری

صفحه آرا: زینب مهدوی

انقلاب زنانه، از توهم تا واقعیت صفحه ۴

صفحه ۵ بانوی ایرانی مقتدر تر از همیشه

صفحه ۶ زن، کالای دست چندم

صفحه ۷ مجاز...

صفحه ۸ بخشی از حامیان غائله ۱۴۰۱

صفحه ۹ دیوار کشان...

صفحه ۱۰ واجب اجباری؟

صفحه ۱۱ مرغ همسایه غازه!

انقلاب زنانه، از توهم تا واقعیت

زینب مهدوی | کارشناسی مهندسی نساجی



این روزها آنچه به وفور شنیده می‌شود، ندای زن زندگی آزادی است.

گرچه این روزها غائله موجود در کف جامعه، غائله‌ای تروریستی است و در تقاطعی به یک جنگ شهری بدل شده. لیکن حیات ابتدایی و هم الان نیز، حیات رسانه‌ای خودش را، از زنان گرفته و خود را گونه‌ای اعتراض و انقلاب زنانه عنوان میکند. لذا میبینیم جریان‌های فمینیزم و فم‌های دیگرکشورها این جنبش را مورد حمایت خود قرار داده‌اند؛ چراکه در فمینیسم، جریانی وجود دارد تحت عنوان 'خواهری جهانی' که اینها هر ندایی در جهان ذیل نام 'زن' بلند شود را وارد این جریان میکنند.

اما ماجرای اخیر در داخل از کجا شروع شد؟ بهتر است از کمی قبلتر به ماجرا نگاه کنیم. چندی قبل محمدرضا جلالی پور، کمپینی در اینستاگرام راه می‌اندازد، با عنوان 'من محبچه هستم اما با حجاب اجباری مخالفم' کمپین در نظر دارد زن و دختر جوان ایرانی که نیروی محرک و فعال جامعه اسلامی است را، که خودش نیز محبچه است، نسبت به ارزش‌ها و اصول بی‌تفاوت کند و چنین نشان دهد که غالب زنان و حتی افرادی که از نظر عقاید دینی به حاکمیت نزدیک هستند، نیز از این رویه ناراضی هستند. عموماً چنین افراد و کمپین‌هایی با هدف ارزیابی و بازخورد گیری از جامعه نیز پیاده میشود.

البته مخالفت با رویه گشت ارشاد، خواسته عمومی‌تری است، اما ماجرای کمپین به گشت ارشاد ختم نشد. این میان اتفاقاتی به سان کاتالیزور برای این جریان عمل کرد. لذا بعد از فوت مرحومه مهسا امینی، به سرعت شعار زن، زندگی، آزادی به شعار اصلی جریان بدل شد. شعاری که منتسب به گروهک پ.ک.ک با آن سابقه تروریستی می‌باشد، اینک شده بود شعار زنان آزادی‌خواه ایران!

این جریان، با وعده‌ی آزادی‌های جنسی، استخر مختلط، توی کوچه رقصیدن، پارتی تا نیمه شب در کنار برج آزادی و...سعی در تهییج و برانگیختن حس شهوت نوجوانان و جوانان و روشن کردن آتش میل به تغییر داشته است. آتشی که در متعالی‌ترین حالت میتواند نام آن را یک انقلاب جنسی گذاشت؛ چراکه اصلاً در ابعاد انقلابی برای تغییر حاکمیت نیست و ملزومات آنرا نیز ندارد. انقلاب نیاز به ایدئولوژی، گفتمان و رهبر مشخص دارد. بعلاوه سمپات‌های این جریان نیز، تصویری از انقلاب ندارند.

صحبت جریان موسوم به حامیان انقلاب زنانه در ایران، چیست؟ این جریان به طور کل اسلام را یک دین ضد زن و به تبع انقلاب را یک انقلاب مردانه که زنان در حاشیه آن قرار دارند میدانند و در این مسیر از کم‌کاری‌ها و خلأهای نظام در

مسئله زنان به شدت استفاده میکنند.

ولیکن این جریان و دال مرکزی آن، اساساً نمی‌تواند به خواسته و گفتمان کلی زنان جامعه‌ما تبدیل شود. سوای از اینکه آیا مسئله آزادی‌های جنسی، مسئله اول زنان ما است، و یا به مسئله اول آن تبدیل شده؟ یا اینکه خواسته اصلی این روزهای ملت اقتصادی است و این جریان روی همه این نارضایتی‌ها سوار شده؟ اساساً بخش خوبی از جامعه ایرانی با چنین شتابی، با این سطح از آزادی همراه نیست. البته در آینده نگاه جامعه نیز ممکن است متفاوت شود؛ چه اینکه الان نیز بخش‌هایی از جامعه نسبت به مسئولیت اجتماعی خود، بی‌تفاوت شده است.

لکن اشتباهی که این جریان مرتکب شد، ناشی از خطای محاسباتی و عدم شناخت درست جامعه ایرانی بود. جامعه‌ای که اساساً عقیف است، و اگر با جمع کثیری از افراد جامعه صحبت کنی، چنانچه مخالف گشت ارشاد هستند، اما با حدی از پوشش و موازینی برای رعایت آن موافق هستند. البته این را نیز

این جریان، با وعده‌ی آزادی‌های جنسی، استخر مختلط، توی کوچه رقصیدن، پارتی تا نیمه شب در کنار برج آزادی و...سعی در تهییج و برانگیختن حس شهوت نوجوانان و جوانان و روشن کردن آتش میل به تغییر داشته است. آتشی که در متعالی‌ترین حالت میتواند نام آن را یک انقلاب جنسی گذاشت.

حاکمیت باید در نظر بگیرد و به جای اصرار بی‌مورد بر 'گشت ارشاد' به ادبیات سازی حول موازین پوشش بپردازد.

اشتباه بعدی این جریان، عجول بودن و هیجانی بودن، آن بود. که به زعم نگارنده، ناشی از ذات طرفداران آن، که عموماً در سنین نوجوانی و ابتدای جوانی هستند، است. چادر کشیدن از سر زنان، پاره کردن قرآن و... اینها نیز بخشی از مذهبی‌هایی که ابتدا به خاطر مخالفت با گشت ارشاد و یا حتی حجاب اجباری، با این صدا همراه شده بودند را، پس زد.

در آخر هم برخی بی‌اخلاقی‌هایی که در این غائله رخ داد، مانند تعرض به زنان در اعتراضات خیابانی، فحش‌های رکیک جنسی دختران و پسران در دانشگاه، بخشی از اطرافیان‌ش را دور کرد.

لذا میبینیم به خاطر تداوم برانگیختگی حس جمعی و زنده نگه داشتن بعد زنانه‌ی جریان،

اغلب هشتک‌ها و کشته‌هایی که پوسترشان میکنند، دختران جوان و نوجوان هستند. یا با صحبت‌هایی لبه‌دار، گذاشتن عکس دختران چادری و بی حجاب در کنار هم، سعی در تلطیف کردن فضا داشتند.

ولیکن به علت توضیحات فوق، جریان مذکور، حتی توانایی ایجاد یک انقلاب جنسی را هم در ایران ندارد؛ چراکه این نه برای سر منشأهای انقلاب در آن سوی مرزها، مکفی است و نه جامعه ایرانی، حداقل به این سرعت آنرا میپذیرد. چه اینکه اکنون نیز در معابر و خیابان‌ها میبینیم، با وجود آنکه نظارتی در خصوص حد پوشش وجود ندارد؛ قاطبه زنان با پوششی خارج از عرف عبور و مرور نمی‌کنند!

بعلاوه، در این روزها آرمانی فراتر از آزادی‌های جنسی نیز از این غائله‌ی زنانه ندیدیم! در واقع چنین ماجرا با چنین خواسته‌ای به نام زنان و به کام افرادی دیگر است. یک عده از احساسات جامعه نسبت به زنان سوء استفاده میکنند و در نهایت نیز آورده ویژه‌ای برای اعتلای زنان، حضور اجتماعی و سیاسی آنان، حل مشکلات اساسی زنان و...وجود ندارد. چه اینکه فریاد مردان برای آزادی‌های جنسی زنان، حاکی از یک مردسالاری نوین در قرن ۲۱ است. مردانی که زنان را به چشم یک کالا نگاه میکنند.

گرچه جمهوری اسلامی در مسئله برخی حقوق زنان و حضور اجتماعی و سیاسی آنها، ایراداتی دارد؛ اما امروز من به عنوان یک زن بیشتر به آن باورمند شدم، چراکه پافشاری بروی مسئله حجاب، یعنی حفظ ملزومات حضور اجتماعی زنان. حجاب برای داخل پستو نیست؛ حجاب برای حضور امن من در جامعه و پرداختن به فعالیت‌های اجتماعی‌ام است؛ که این روزها جمهوری اسلامی دارد برای حفظش جان میدهد.



حجاب برای حضور امن من در جامعه و پرداختن به فعالیت‌های اجتماعی‌ام است؛ که این روزها "جمهوری اسلامی" دارد برای حفظش جان میدهد.

بانوی ایرانی مقتدر تر از همیشه

مائده علی‌محمدی | کارشناسی مهندسی کامپیوتر



زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. سهم زنان در تحولات جامعه بر هیچکس پوشیده نیست. همه می‌دانیم زنان بخش مهمی از جامعه هستند که در پیشرفت یا عقب‌ماندگی جوامع انسانی نقش‌آفرین هستند. وضعیت اجتماعی زنان در ایران در طول تاریخ، پر فراز و نشیب بوده است. بدون شک جایگاه شخصیت زن و نقش او از لحاظ فردی و اجتماعی در ایران قبل و بعد از اسلام و قبل و بعد از انقلاب اسلامی را نمی‌توان یکسان دانست. امروز در کشور جمهوری اسلامی ایران در همه قوا، وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، ادارات، حوزه و دانشگاه و ... زنان، مانند مردان در ارائه نظر، تصمیم گیری اداره کشور مساوی و مشترک اند و این اقدام تنها مربوط به امروز نیست بلکه در سال‌هایی که در انگلیس به زنان تحصیل کرده مدرک داده نمی‌شد، در ایران اسلامی برای بانوی اصفهانی اجازه اجتهاد از مجتهدان درجه اول صادر شده و در حوزه اصفهان فلسفه و فقه تدریس می‌نمود. رهبر انقلاب اسلامی درباره اهمیت کانون خانواده برای رشد افراد میفرماید: در دیدگاه اسلامی قوی‌ترین پایه تربیت فکری و روحی انسان در کانون خانواده قرار دارد و در این کانون است که زمینه رشد واقعی زن در عرصه‌های مختلف فراهم می‌شود.

زنان در غرب، از ابتدایی‌ترین حقوق خود بی‌بهره بودند و جنبش فمینیستی واکنشی در برابر این اجحاف بزرگ در حق زنان بود.

دیدگاه اسلامی نسبت به فعالیت زن را از جنبه‌های مختلفی میتوان مورد بررسی قرار داد.

اول محدوده امت اسلامی است که زن به عنوان فردی از افراد آن امت در فعالیت‌های سیاسی اش مشارکت دارد.

دوم محدوده خانواده است که در دیدگاه اسلامی دارای وظایف خانوادگی است و زن در چارچوب آن مسئولیتهای زیادی را ایفا می‌کند.

فهم رفتار سیاسی زن بدون توجه به تنظیم اجتماعی یک جامعه ممکن نیست و حرکت سیاسی زن در دیدگاه اسلامی، از حرکت اجتماعی تفکیک ناپذیر است.

عمل سیاسی زن در نگاه اسلامی یک امانت و یک تکلیف شرعی است اما در نگاه غربی، حقی است که زنان آن را مطالبه می‌کنند و هدفی است که در تحقق آن می‌کوشند و منزلتی اجتماعی است که برای تحصیل آن تلاش می‌کنند و این وجه تمایز دیدگاه اسلامی از دیدگاه غربی در خصوص فعالیت‌های سیاسی زن است.

«این یکی از بزرگ‌ترین افتخارات نظام اسلامی است که در سایه‌ی نظام اسلامی این‌همه زن فرزانه و تحصیل کرده و خوش‌فکر و ممتاز از لحاظ فکری و عملی در جامعه‌ی ما وجود دارند؛ خیلی نعمت بزرگی است و مایه‌ی افتخار است.» این جمله‌ی رهبر انقلاب اسلامی به‌روشنی نگاه ایشان به مسئله‌ی تحصیل و علم‌آموزی زنان در جامعه‌ی اسلامی را نشان می‌دهد. همچنین ایشان عقیده دارند:

از نظر اسلام، میدان فعالیت و تلاش علمی و اقتصادی و سیاسی برای زنان، کاملاً باز است. اگر کسی با استناد به بینش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی محروم کند، از تلاش اقتصادی باز دارد، یا از تلاش سیاسی و اجتماعی بینصیب سازد، به خلاف حکم خدا عمل کرده است.

در آخر ذکر این نکته ضروری است که در جامعه ای که زنان همواره توانسته اند بی هیچ محدودیت و مانعی در تمام عرصه ها به جایگاه و درجات عالی‌ه برسند و حتی گاه از مردان نیز پیشه بگیرند، این موفقیت به مذاق خیلی ها در سراسر دنیا خوش نیامده است و به همین خاطر سعی دارند با دروغ سازی و شعار بی هویت «زن زندگی آزادی» بنیان خانواده را متزلزل کنند.



زن، کالای دست چندم



مریم مهربان (ادوار انجمن اسلامی دانشجویان)

اولین چیزی که در کنار جدیدترین مدل بوگاتی در نمایشگاه ماشین‌های لوکس چشم‌ها را سوی خود جلب می‌کند؛ زینست با لباسی خیره کننده که تمام زیبایی و اندامش را به نمایش گذاشته تا توجه کسی که گرانترین ماشین دنیا را نیز نمی‌شناسد به شکلی جلب شود. بوگاتی که جای خود را دارد در همین تهران خودمان در وسط بزرگراه‌ها و روی بیلبوردها برای تبلیغ اجناسی پیش پا افتاده زنی ایستاده و با نوع پوشش و آرایش و لبخندش توجه هر کسی را جلب می‌کند.

نظام سرمایه داری همانطور که از نامش پیداست بر مبنای سود و درآمد هر چه بیشتر پایه ریزی شده است و طبیعتاً این نظام مبتنی بر اصالت سود زن را نیز به صورت کالایی سوآورد ترسیم و بر همین مبنای رسانه‌های مختلف جریان سازی کرده است.

در این نظام زن به عنوان “چیزی” -نه کسی- که باعث افزایش درآمد و سود از طرق مختلف است شناخته می‌شود. این طرق می‌تواند مستقیم با استفاده از زن به عنوان نیروی کار ارزان قیمت قابل استثمار، و یا غیر مستقیم به عنوان بازار هدف اجناس و امیال باعث افزایش سود شرکت‌ها و درآمد سرمایه‌داران و یا به عنوان پیاده‌نظام رایگان و یا ارزان، باعث برآورده شدن اهداف سرمایه‌داران و قدرت‌طلبان شود و رسانه‌های جمعی وسیله‌ای بسیار مناسب برای برآورده سازی برای این امر هستند و زنان و سپس کودکان به عنوان بیشترین مخاطبان این رسانه‌ها اولین طعمه در این مسیر می‌باشند. پس در اینجاست که صنعت تبلیغات و رسانه به کار می‌آید. تبلیغات و رسانه، باورهای فرهنگی خاصی را ترویج می‌کنند که در آن، جنسیت زن منبعی برای کسب سود بیشتر و ویژگی‌های جنسیتی او عاملی برای حرکت دادنش به سوی اهداف از پیش تعیین شده‌است.

صنعت سکس و مد و زیبایی همواره سود سرشاری را برای سرمایه‌داران به همراه دارد. این صنایع به خصوص به زنان و کودکان به شکل طعمه‌هایی نگاه می‌کند که با مصرف گرایی و جلوه‌گری می‌توانند بازارهای سرمایه داری را پر رونق نگه دارند. از سوی دیگر زنان با استفاده از ویژگی‌های جنسی خود در این تبلیغات به کار می‌آیند تا مردان نیز ترغیب به خرید و مصرف بیشتر و بیشتر شوند.

عقل سلیم محاسبه‌گر مادی به درستی تشخیص می‌دهد برای این سودآوری، زن باید “چیزی” باشد کاملاً فردگرا، رفاه طلب و مهمتر از همه رفاه خویشتن طلب. زنِ آگاه درون

خانواده، نمی‌تواند و نمی‌خواهد که شخص خودش را در اولویت قرار دهد. شاخص اصلی زن درون خانواده، تحت هر فرهنگی که بزرگ شده باشد خودِ خانواده تعریف می‌شود. برای صاحبان سرمایه این یعنی زنگ خطر کم شدن نیروی کار ارزان و مطیع، کم شدن پیاده نظام رایگان برای جنگ‌های روانی، یعنی زنگ خطر محدود بودن ابزار تبلیغات و زنگ خطر کم شدن فروش کالا و در نتیجه یعنی به خطر افتادن اصل اول نظام سرمایه داری یعنی: سود

این مسئله از چند وجه قابل بحث است؛ به یک مثال بسیار کوچک توجه کنید: در نگاه جهانی مرد درون خانواده نیازی به ارضای کمبودهای جنسی و عاطفی خود در محیط بیرون ندارد و این یعنی کاهش تقاضا برای شرکت‌های ارائه دهنده این خدمات. از طرفی زن درون خانواده نیز حاضر به کار در این شرکت‌ها و فروش خود نخواهد بود و این یعنی کاهش نیروی کار سوآورد شرکت‌های ارائه دهنده خدمات جنسی. از نظر صاحبان این مراکز، زن آگاه درون خانواده و خانواده مستحکم، خود به تنهایی خطری‌ست مهلک برای صنعتشان و پرواضح است که باید راهی

تشخیص می‌دهد برای این سودآوری، زن باید “چیزی” باشد کاملاً فردگرا، رفاه طلب و مهمتر از همه رفاه خویشتن طلب. زن آگاه درون خانواده، نمی‌تواند و نمی‌خواهد که شخص خودش را در اولویت قرار دهد. شاخص اصلی زن درون خانواده، تحت هر فرهنگی که بزرگ شده باشد خودِ خانواده تعریف می‌شود.

پیدا کرد برای فروپاشی این عامل. وجه دیگر خطر زن درون خانواده، برای نظام سرمایه داری، ویژگی‌های ذاتی مدیریت زن در خانواده است. حضور زن در یک خانه به واسطه هوش مدیریتی او در حسابداری و استفاده از ابزار و مدیریت هزینه‌ها باعث بازتولید در خانواده و کاهش نیاز افراد یک خانواده به خدمات شرکت‌های خصوصی اعم از تهیه کالا و خدمات فکری می‌شود. لذا با دور کردن زن از محیط خانواده، می‌توان کار خانگی را هم به یک کالا تبدیل کرد و بخشی از کار خانگی مانند تربیت فرزند را هم از طریق پرداخت هزینه تامین کرد: کوتاه کردن موی سر، استفاده از غذاهای یخ زده و نیمه آماده، خشکشویی، مراقبت از کودکان، مهدکودک، پرستاری از سالمندان و غیره

عموما این بخش از کار خانگی زنان مرفه، توسط زنان فرودست جامعه با دستمزدهای بسیار اندک و بسیار پایین انجام می‌شود. یعنی نه تنها فقر زنانه خواهد شد بلکه هم زنان در طبقه پایین جامعه و هم زنان در طبقه مرفه از خانواده دور خواهند شد و از دو راه سود سرمایه داران تامین خواهد گشت.

مثال دیگر استفاده از زنان به عنوان ابزاری برای اهداف قدرت طلبان است. آنان به خوبی از ویژگی‌های جنسیتی، هویتی، ذهنی و رفتاری زنان آگاهند و در نتیجه می‌دانند اثرگذاری واقعی بر روی آنان چگونه امکان پذیراست. آن‌ها با استفاده از همین اطلاعات هر زمان که بخواهند زنانی را که تحت تاثیرشان قرار دارند به میدان می‌کشند و آنان را مانند سپری انسانی، در مقابل خود و اهدافشان قرار می‌دهند. حال زن آگاهی را تصور کنید که خود و هویتش را می‌شناسد. این‌زن حاضر نیست خود را در این راه قرار دهد و این یعنی کاهش پیاده نظام رایگان قدرت طلبان.

اینها فقط چند مثال از خطر خانواده و زن آگاه درون خانواده برای نظام سرمایه داری و قدرت طلبان است.

برای تامین منافع سرمایه‌داران باید پذیرفت که عدم وجود خانواده سودمندتر از وجود آن است و با استفاده از قوانین جدید غربی، با از بین رفتن خانواده و زن قدرتمند، نه تنها بازتولید نسل و الامان‌های سوآورد بعدی دچار مشکل نمیشود، بلکه به دلیل ابزارهای لازم برای پرورش نسل، همراه با سوآوردی بیشتر هم خواهد بود. این یعنی حرکت هرچه بیشتر این افراد به سمت حذف مفهوم خانواده و زنِ آگاه و قدرتمند!

اینکه غرب تا چه حد موفق شده است به این هدف دست یابد در مجال این بحث نمی‌گردد اما آنچه اهمیت دارد حرکت جامعه ما به سمت ایده‌آل‌های نظام سرمایه‌داری و قدرت‌طلبان و حرکت زنان ما در راستای خواست‌های آنان است که خواسته یا ناخواسته شیب تندی گرفته است.

باید دید زنان ما چقدر شجاعت ایستادن در برابر نابودی و یا بهتر بگوییم کالا شدن خود را دارند.

عموما کار خانگی زنان مرفه، توسط زنان فرودست جامعه با دستمزدهای بسیار اندک و بسیار پایین انجام می‌شود. یعنی فقر زنانه خواهد شد.

مَجاز...



ریحانه آنالویی | کارشناسی مهندسی پزشکی

می‌گویند رویارویی با شعر حافظ آدمی را به اوج التذاذ هنری می‌رساند، عجب راست می‌گویند خب شاید همین است که گوته آرزو دارد که فقط مریدی از مریدان حضرتش باشد.

آقا محمد به طرق مختلف هوشبری می‌کنند، یکی از روش‌هایشان این است که یک حقیقت را به گونه‌ای می‌بینند که دیگران کمتر پیش می‌آید به جهان اینطور اهتمام بورزند که چنین تفسیری از آن داشته باشند.

مثلا در یک بیت ۱۵ واژه‌ای سخن‌شان را با گلبرگ و سنبل مُشکین عرضه می‌دارند و می‌فرمایند:

**گلبرگ را ز سنبل مشکین نقاب کن
یعنی که رخ پیوش و جهانی خراب کن**

و هنر ما این است که مست از آوا و کلام می‌گوییم گلبرگ مجاز از روی است و سنبل مشکبوی مجاز از موی و گمان می‌کنم که حکایت این روز‌های ما و مطالبه گران حقوق زنان که برخی از آنها چشم‌هایشان تار شده و آدم‌های دور و برشان را چند برابر آنچه هست می‌بینند، حکایت گرفتار شدن به همین مجاز است؛

عبارتی حاوی سه کلمه که به اندازه تعدد جریان‌ها و افرادی که آن را به زبان می‌آورند حقیقت در بر دارد!

این روزها شاهد مطالبه گرانی هستیم که ناگهان این روزها مطالبه گر شده و به میدان آمده‌اند که الحق عدم بی تفاوتی



اگر شما با چند صد یا نهایتاً چند هزار نفر خودتان را اکثریت می‌دانید و آمدید تا حق زنان سرزمین‌تان را بستانید، راجع پنج میلیون زن سرپرست خانوار نظر‌تان چیست؟

-شان را می‌ستایم اما مطالبه‌ی کدام حقوق زن را دارند!

حقوقی که رسیدگی به آن به زن دانشجوی ما چه مهندسی باشد چه علوم انسانی، زن کارمند ما، زن معلم ما، زن پزشک و پرستار ما، آرامش، نشاط و انگیزه می‌دهد؛ مراجعات زنان ما به دادگاه‌ها را کم می‌کند. بار غم از دوش دختران تک‌والدی ما بر می‌دارد تا بتوانند درس بخوانند یا ...؟

ای کاش نگاهی به آمارها یا حتی کوچه خیابان‌ها ببندازند تا ببیند درد زنان ما چیست؟ اگر شما با چند صد یا نهایتاً چند هزار نفر خودتان را اکثریت می‌دانید و آمدید تا حق زنان سرزمین‌تان را بستانید، راجع پنج میلیون زن سرپرست خانوار نظر‌تان چیست؟

اگر برخی خواسته‌ها را مهم‌ترین مسئله‌ی چهل و دو میلیون زن ایرانی قرار دهیم که حقیقتاً در حق آن اجحاف کرده ایم!

اگر بگویید زن، زندگی، آزادی، جمهوری اسلامی مشخص است که منظور از زن، انسان مونثی است عقیف، شریف، محجبه. منظور از آزادی، آن آزادی است که به آزادی دیگران لطمه وارد نکند و اتفاقاً چارچوبی دارند که در آن اگر قائل به امر آزادی باشی می‌توان فهمید چه طور می‌شود آزاد بود و از دیگران سلب آزادی نکرد. مثل حجابی که اتفاقاً برای آزادی حضور اجتماعی زن به آن باور دارند، و منظور از زندگی نیز چیزی است که سه چیز برای تضمین می‌خواهد:

تربیت، امنیت، آزادی

در غیر این صورت اگر منظور از این مدل زن زندگی آزادی گفتن که با شکستن، چادر کشیدن و بی‌حرمتی و بی‌ادبی همراه است، نارضایتی از عملکرد است پس دارند اشتباه می‌زنند!

ادعای نارضایتی را آن جماعتی می‌توانند بکنند که پشت تربیون می‌روند و نارضایتی‌شان و تمام آن حرف‌هایی که دارند را اعلام می‌کنند.

جماعتی که در ایام مختلف سال چه برای آب باشد در وسط زاینده رود، چه برای هزاران برای مقابل مجلس، چه برای سفیری در مقابل سفارتخانه تجمع می‌کنند و آنجا نیز حرفشان را می‌زنند.

نه کسانی که یکهو امروز به فکر افتادند سر از گردن می‌برند؛ به خانه‌ی حامیان

مردم یورش می‌برند و تربیون را هو می‌کنند..

شاید منظور جلب توجه و اطاعت امر دل و چشم و دهان‌هایی است که به دولت جنایتکار معلوم الحالی که امروز امضا می‌کند فردا امضایش را پس می‌گیرد دل باختند!؟

شاید هم آمده‌اند بگویند ما همان جمعیتی هستیم که به مرحله پسا متاورس رسیده ایم و داریم در بین هشتگ‌ها و اخبار رسانه‌ها زندگی می‌کنیم، کمی آمده‌ایم بیرون



ادعای نارضایتی را آن جماعتی می‌توانند بکنند که پشت تربیون می‌روند و نارضایتی‌شان و تمام آن حرف‌هایی که دارند را اعلام می‌کنند.

تا همه‌ی آنچه در سر داریم و این مدت درونمان تلنبار شده را خالی کنیم و به اصل حیات مان برگردیم.

شاید هم منظور تجزیه همین خاکی است که حتی در تشخیص خس و خاشاک آن دچار اشتباه شده‌اند و فراموش کردند چه کسی تانک داد، چه کسی زیر تانک جان داد!؟

به امید روزی که همه دور هم بنشینیم و باهم برای زن و نه فقط به اسم زن، گفت و گو کنیم...



هیچ کدوم این گروه‌ها نه به زن اعتقاد دارن نه به آزادی و نه به زندگی زنان! چندتا سوال از سازمان مجاهدین خلق و مریم رجوی!

چرا بعد از قائله پادگان اشرف قدرت باروری زنان رو با عمل جراحی ازشون گرفتید؟ بچه هاشونو ازشون گرفتید؟ شما حتی اجازه نمی‌دید زنان سازمان شما رنگ روسریشون رو انتخاب کنند. چرا صحبت از آزادی زن میکنید؟ شما که طلاق تشکیلاتی رو باب کردید و همه رو به عقد مسعود رجبی درآوردید! هزاران نفر از ایرانی‌ها رو کشتید چرا ادعای آزادی خواهی میکنید؟ هزاران زن، کودک، پیر، نوجوان، اگر یک بقال تو مغازش عکس امام رو نصب می‌کرد توسط شما کشته میشد!

سال ۱۹۹۱ شما سازمان منافقین، فقط صدها کرد کشتید. در عملیات مروارید شکنجه‌های وحشتناک ساواکی شما چه نشانه‌ای از فهم شما از آزادی انسان دارد؟

شکنجه شهید محسن میرجلیلی، شهید طالب طاهری با ۱۶ سال سن، شهید شاهرخ طهماسبی و... هموطن؟ ایران آزاد؟



عربستانی که شبکه اینترنتشال رو علیه ایران راه انداخته، سال گذشته در یک روز هشتاد و یک جوان شیعه رو با شمشیر گردن زده به جرم مخالفت با آل سعود؟!

شمایی که تازه دوساله به زن اجازه رانندگی دادید صحبت از آزادی زن نکنید!

منتقد عربستانی الاصل، آقای جمال خاشقچی، رو دعوت کردید به کنسولگری عربستان در ترکیه و او رو کشتید! شما صحبتی از انتقاد و اعتراض نکنید.

پاسخ خون شهدای یمن رو دادید؟

پاسخ شهدای حج خونین رو دادید؟

پاسخ خون شهدای منا رو دادید؟

پاسخ خفقان شیعیان مقیم شرق عربستان رو دادید؟



رضایپهلوی

از حقوق زن میگه!

بابای ایشون به زن چه نگاهی داشت؟

مصاحبه‌ی آقای محمد رضا پهلوی در سال ۵۲ با اوریانا فالاجی، معروف‌ترین خبر نگار ایتالیایی و مصاحبه خانم باربارا والترز در سال ۵۶ درمورد زن رو سرچ کنید.

بزرگ‌ترین دزد اموال ایرانیان چطور می‌تواند حامی ایران باشد؟

اینو ما نمیگیم! نشریه فاینشال تایمز از اموالی که

شاه همسرش فرح را به رؤسای جمهور آمریکا قرض میداد!

شما صحبت از زن نکنید!!!



همه ی این افتخارات تنها بخشی از سابقه خونین مخالفان و فتنه‌گران است...

دیوار کشان...

مریم آخوندی (ادوار انجمن اسلامی دانشجویان)

چندی پیش خانم ابتکار در کانال تلگرامی شان مطلبی منتشر کردند با این مضمون که اگر تصویب لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت جدی گرفته میشد اکنون کشور در وضعیت بهتری می‌بود و زن کشی های صورت گرفته در گوشه و کنار کشور را به معطل ماندن این موضوع مرتبط ساختند.

این موضوع نشان می‌دهد که ایشان همان رویه ی دوران مسئولیتشان در معاونت زنان ریاست جمهوری را ادامه می‌دهند و به اشتباهاتشان پی نبرده اند.

زمانی که به جای آنکه بین زنان جامعه حاضر شوند و کم و کاستی هایشان را از نزدیک بشنوند و ببینند، قوانین از پیش نوشته‌ی کشورهای بیگانه با فرهنگ ایرانی را بر سرچوب زده و آنقدر هیاهوی رسانه ای می‌کردند تا به جامعه بقبولانند این لایحه تنها منجی زنان است.

حال مجدداً برای حل مشکلات زنان به همان لایحه‌ای استناد می‌کنند که غالباً جمع آوری قوانین موجود فعلی است؛ نه چیز بیشتری، و کمک جدیدی به جامعه‌ی زنان برای مصون ماندن از خشونت نخواهد کرد.

آیا اینکه با وجود قوانین فعلی برای جلوگیری از خشونت علیه زنان هنوز شاهد خشونت هستیم ما را ابتدائاً نیازمند بررسی قوانین موجود و پرونده‌های فعلی نمی‌کند تا کارآمد تر قانون نویسی کنیم؟

مشکلی که با بررسی پرونده های موجود به آن پی می‌بریم، عدم امکان اثبات وقوع جرم توسط



ایشان در زمان مسئولیتشان به جای آنکه بین زنان جامعه حاضر شوند و کم و کاستی هایشان را از نزدیک بشنوند و ببینند، قوانین از پیش نوشته‌ی کشورهای بیگانه با فرهنگ ایرانی را بر سرچوب زده و آنقدر هیاهوی رسانه ای می‌کردند تا به جامعه بقبولانند این لایحه تنها منجی زنان است.

زنان است که در این لایحه هم چاره‌ای برای آن اندیشیده نشده است. از طرفی اساساً تنظیم مقررات و قواعد حقوقی برای خانواده کار پیچیده و پر ملاحظه ایست و ظرافت های بسیاری دارد. در نوشتن این گونه اسناد باید توجه شود تعاملات زن و مرد در خانواده بیش از حد به دایره‌ی حقوق کشانده نشود، به طوری که رابطه‌ی عاطفی و اخلاقی بین آن دو را خدشه دار سازد و خود عاملی برای بروز اختلافات بیشتر شود.

آیا اینکه با وجود قوانین فعلی برای جلوگیری از خشونت علیه زنان هنوز شاهد خشونت هستیم ما را ابتدائاً نیازمند بررسی قوانین موجود و پرونده‌های فعلی نمی‌کند تا کارآمد تر قانون نویسی کنیم؟

بروز اختلافات بیشتر می‌تواند باعث گرفته شدن اصلی ترین نهاد حمایتی زن، یعنی خانواده، از او شود.

شهید مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام در این باره می نویسند:

صلح خانوادگی از نظر غربی با صلح سیاسی یا اجتماعی تفاوتی ندارد. غربی همان طوری که با تمرکز نیرو در مرز دو کشور صلح برقرار می‌کند، می‌خواهد با تمرکز قوه دادگستری در مرز حیات زن و مرد صلح برقرار کند، غافل از اینکه اساس زندگی خانوادگی برچیده شدن مرز است، وحدت است، بیگانه شمردن هر نیروی دیگر است.

غرب پرستان به جای اینکه مغرب زمین را به اشتباهاتش در مسائل خانوادگی واقف کنند و به افتخارات خود بنازند چنان در همرنگ شدن با آنها سر از پا نمی‌شناسند که خودشان را هم فراموش کرده‌اند.

همان طور که استاد مطهری فرمودند غرب پرستان داخلی برای حل و چاره جویی مشکلات زنان ایرانی به الگوگیری از کشورهایی پرداختند که در آمار زن کشی و خشونت علیه زنان سرآمد جهان هستند.

از طرفی ایشان حتی مقدمات نوشتن سند را رعایت نکردند.

نوشتن سند برای حل موضوع خشونت علیه زنان، پیش از آنکه این مسئله به درستی توسط متولیان امر شناخته شود و تحقیقات آماری دقیقی پیرامون آن شکل گیرد، کاری بیهوده

و غیر کارشناسی است که بیشتر رنگ و بوی سیاسی دارد و دردی از زنان جامعه‌ی ما دوا نمی‌کند.

و این مسئله به طرق مختلف مشهود است. چه زمانی که از ایشان درباره‌ی آمار خشونت علیه زنان در ایران سوال شد و به دادن جواب‌های کلی و مبهم بسنده کردند و چه با مراجعه به متن خود سند که در آن یکی از وظایف کمیته‌ی ملی صیانت را انجام تحقیقات آماری درباره شدت فراوانی خشونت علیه زنان در کشور معرفی کرده است. به راستی کجای جهان قبل از بررسی آماری و حصول اطمینان از این که این مشکل گریبان گیر اکثریت مردم جامعه است، دست به تصویب قانون می زنند؟

لذا باید توجه داشت صرف نوشتن یک لایحه‌ی ناکارآمد و فریاد زدن نام آن در برهه‌های زمانی مختلف و پنهان کردن کم کاری‌های خود پشت این نام ها و خود را (که باید پاسخگوترین باشد) مطالبه گر نشان دادن، شاید احساسات بخشی از جامعه را با خود همراه کند، اما قطعاً کمکی به جامعه‌ی بانوان کشور نخواهد کرد.



واجب اجباری؟!

زهر علمی | کارشناسی مهندسی مواد و متالورژی

مرغ همسایه غازه!

زینب سادات طباطبایی | ارشد مهندسی صنایع

به تصاویر زیر نگاه کنید و حدس بزنید احتمالا مربوط به کدام کشورها میباشد؟



در واقع، ذهنیت ما از یک حادثه، کشور و یا هر موضوع دیگری که با آن در ارتباط مستقیم نیستیم؛ کاملا مربوط به رسانه هایی است که آن را برای ما شرح میدهند. رسانه میتواند فرد، فضای مجازی، روزنامه و یا حتی این نوشته باشد. اگر رسانه این هنر را داشته باشد که اعتماد افراد را به خود جلب کند، در بلند مدت این دنبال کننده های به اصطلاح وفادار، مانند انسان های مسخ شده بدون چون چرا پذیرای تمامی اخبار و اطلاعات آن خواهند بود. وبدتراز اینکه رسانه ها میتوانند دروغ بگویند این است که به اخبار مد نظر خودشان ضریب بالا داده و تا جایی که میتوانند در آن مورد تولید محتوا میکنند و اگر خبری باب میلشان نباشد چنان جسته گریخته و کوتاه به آن میپردازند گویی وجود نداشته است.

برگردیم به سوال ابتدایی، دو تصویر بالایی ما را به یاد چه کشور هایی میاندازد؟ احتمالا کشورهای همسایه مان که همواره انتظار بمب گذاری و درگیری را در آن ها داریم. بله حدس درستی است تصویر بالا سمت راست: انفجار در کویته پاکستان ۱۲ کشته و زخمی برجای گذاشت. تصویر بالا سمت چپ: در پی انفجار یک خودروی بمب گذاری شده در غرب عراق هفت نیروی نظامی عراقی کشته شدند. این ها همان اخباری هست که انتظارش را داریم. و اما تصویر پایین سمت راست: طبیعت سرسبز شمال پاکستان ! تصویر پایین سمت چپ: اربیل عراق!

در سال ۲۰۱۸ بنیاد "تامسون رویترز" تحقیقی درمورد ناامن ترین کشورهای جهان برای زنان ترتیب داد، در طی این تحقیق، خطرناک ترین کشورها برای زنان از جنبه های گوناگون مورد بررسی قرار گرفتند.

بر اساس این تحقیقات، ناامن ترین کشورها برای زنان به ترتیب هند، افغانستان، سوریه، سومالی، عربستان سعودی، پاکستان، کنگو، یمن، نیجریه و ایالات متحده آمریکا هستند. در حالی که آمریکا به طور کلی و با در نظر گرفتن تمامی "موضوعات مورد بررسی" در مقام دهم این کشورها قرار گرفته اما زمانی که این نظرسنجی تنها خشونت جنسی و تعرض و اجبار به سکس را مورد بررسی قرار می دهد، این کشور در رتبه سوم قرار می گیرد. همچنین در بررسی خشونت های غیرجنسی همچون خشونت های خانگی و روانی، آمریکا در رتبه ششم خطرناک ترین کشورهای جهان برای زنان قرار گرفت.

ابی هالوند، کارشناس آمریکایی و از بازماندگان تجاوز جنسی و فعال درمینیاپولیس به بنیاد "تامسون رویترز" گفت: ما سعی میکنیم بگوئیم کشوری هستیم که دارای آزادی و همچنین امنیت است، اما افراد زیادی در کشور ما هستند که در امنیت نیستند قربانیان تجاوز جنسی و خشونت خانگی قطعاً در این گروه هستند.

این اخبار مربوط به ظلم علیه زنان با اینکه منبا خارجی و موثق دارند اما نباید به گوش ما برسند یا حداقل بازتاب بسیار کمی داشته باشند. بنابراین آن چیزی که گزاره " آمریکا کشور ناامن برای زنان است" را تایید یا رد میکند رجوع به اخبار موثق و معیار قرار دادن آن ها نیست بلکه تکرار و تایید اخبار رسانه هایی است که به طور مداوم آن ها را دنبال میکنیم.

حال اگر به همین مدل رسانه ای غربی از حدود یک ماه پیش توجه کنیم، میبینیم در ماجرای فوت خانم مهسا امینی خبرگزاری bbc تعداد ۳۴۹ خبر در سایت فارسی کار کرده است. و این در حالی است که در ۳ مارس ۲۰۲۱ پس از جنایت یک مامور پلیس انگلیس با زن جوان به اسم سارا اورارد واکنش این خبرگزاری بسیار متفاوت است. افسر پلیس انگلیس پس از ربایش این دختر و تجاوز و قتل، به جنازه اش هم رحم نمیکند و آن را آتش میزند نکته جالب تعداد اخبار کار شده درbbc در مورد این خبراست فقط ۱۳ مورد. چگونه این حادثه که اتفاقا مربوط به کشور انگلیس میباشد در خبرگذاری رسمیشان یک بیستو ششم خبر فوت خانم مهسا امینی بازتاب پیدا میکند؟

حقیقت این است که گاهی حتی مرغ همسایه، جوجه کوچکی بیش نیست اما مهم اینست که چه کسی در این مورد برای ما خبر آورده باشد!

مساله حجاب یکی از احکامی بوده که همیشه بر سر فردی یا اجتماعی بودن، اختیاری یا قانونی بودن و حق یا وظیفه حکومت برای ورود به این مساله بحث های جدی شکل گرفته است. یکی از مواردی که تنش ها بر سر این موضوع را بیشتر کرده، تعریف این تکلیف زنانه به عنوان کاری برای راحتی مردان است. یعنی گویا علت و فلسفه این حکم الهی، صرفا به گناه نیافتن تعدادی از آقایان بوده و نقش و راحتی و نفع زن از این موضوع به درستی بیان نشده است.

این تعریف غلط از فلسفه حجاب، طبیعتا مایه آزدگی خاطر بسیاری از خانم هاست. هنگامی که این تصور برای انسان ایجاد شود که کاری را انجام می دهد تا دیگرانی که بعضا تهذیب نفس نکرده و وظایف خود را در مقابلش انجام نمی دهند، آسایش داشته باشند، و این کار نیز زحماتی برایش داشته باشد، طبیعی است که احساس خشم یا سرخوردگی پیدا کرده و تمایل به پروزدادن و اعلام نارضایتی خود داشته باشد.

این گونه نیست که واجب بودن مساله ای همه افراد را به انجام آن وادارد؛ تبیین صحیح مساله ضمن احترام به شخصیت افراد است که همراهی اکثریت را به بار می آورد.

چنین شیوه ای برای پاسخگویی به سوالات و تبیین مساله، همچنین می تواند مرز بین مسائل و احکام فردی و اجتماعی اسلام را که امروزه بسیار کمرنگ شده، آشکار کند.

از آنجایی که حجاب در اسلام، حکمی اجتماعی تلقی می شود و عدم رعایت آن منکر، حکومت اسلامی خود را موظف می داند نسبت به اجرای آن اهتمام داشته باشد و آن را به شکل قانون درآورد؛ اما از نظرها پوشیده نیست که شیوه نظارت حکومت مناسب نبوده و صرفا به آتش بحث های بر سر حجاب دامن زده است.

بسیاری از کارهای در حوزه فرهنگ، موضع گیری شخصیت های وابسته و بعضا رده بالای حکومت، تبیین غلط و عدم شناخت صحیح از زن ایرانی و پوشش های سنتی و عرفی منطقه ای و بالطبع پیچیدن نسخه های غلط و یکسان برای زن عقیف ایرانی و در نهایت برخورد های سخت با بدنه جامعه و رهاکردن مفسدین و مروجین اصلی این ماجرا، از اشتباهات اصلی حکومت در این مساله بوده است.

مورد دیگر از واکنش ها و برخوردهای غلط، مساله تعیین جریمه نقدی برای بدحجابی بود. ایده پشت این موضوع و اتاق فکری (اگر همچین چیزی بوده باشد!) که چنین راهکاری ارائه داده اند، قطعاً معیوب و بسیار کج فهم است. حجاب یک قانون مربوط به راهنمایی رانندگی یا آپارتمان نشینی نیست که بخاطر عدم رعایتش جریمه نقدی بریده شود. باید تفاوتی وجود داشته باشد بین قوانین ناشی از حکم الهی که در جامعه اسلامی اجرا می شوند با قوانین دیگر. کسی حق ندارد حکم الهی را در ملاعام زیر پا بگذارد و به جایش پول پرداخت کند؛ اما تعیین جریمه دقیقا یعنی همه می توانند خلاف شرع عمل کنند به شرط آن که پولش را بدهند! اگر بحث قانون حجاب، این است که حکم خدا در جامعه زمین نماند پس جریمه نقدی بسیار اشتباه و بی معنی است.

یکی دیگر از این اشتباه ها که نیاز است جدا به آن پرداخته شود، بحث تمرکز توان و به کارگیری نیرو در این حوزه و رهاکردن و نپرداختن به مسائل دیگر است. یعنی اگر رهبر معظم جمهوری اسلامی می فرمایند که یک منکر و گناه نباید به صورت عیان در جامعه انجام شود و آشکار باشد و رواج یابد، نباید تمام حواس متوجه حجاب شود. اما متاسفانه دقیقا همینطور است.

خود رهبر انقلاب می فرمایند که حجاب بین مسائل برای امر به معروف اولویت دهم را دارد؛ اما مدیریت و شرایط طوری پیش رفته که اکنون با شنیدن نام امر به معروف فکرها به سوی حجاب می رود انگار که مهم ترین و حیاتی ترین مساله و بدترین منکر در اجتماع، حجاب است. قطعاً این گونه نیست و رهبر نیز می فرمایند که برخی عادات و رذیله های اخلاقی مانند غیبت که گناه کبیره است، حتما اهمیت بیشتری دارند و به اصلاح این مسائل باید اولویت بیشتری داد.

اکنون در ایران بحث حجاب بیش از موضوعی مذهبی، به موضوعی سیاسی تبدیل شده است. حتی تا این اندازه که صرف رعایت حجاب وابستگی به حکومت تلقی می شود و عدم رعایت آن ابزار و نوعی ابراز مخالفت است. غیر از افکار عمومی، این موضوع به طور جدی دست مایه دشمنان ایران برای مقابله و درخواست های تحریم و ایجاد محدودیت برای کشور شده است. برخوردهای گاه به گاه سخت و سلیقه ای گشت ارشاد و اتفاقات ناگوار پیرو نیز دست مخالفان ایران را پرتر می کند تا با سوءاستفاده از خون یک شخص و جرقه زدن به احساسات عمومی (که قبلا به علت همان اشتباهات و مفاهیم غلط لطمه خورده) بستری برای ایجاد ناآرامی های حداکثری و ضربه به کشور و مردم، فراهم کنند.

در نهایت بازگویی جمله ای از رهبر انقلاب لازم است که می فرمایند: درباره حجاب باید متین و منطقی عمل کرد.



۱۰

گاهنامه صدا۱۱_ شماره ۳۷_ آبان ۱۴۰۱

۱۱

گاهنامه صدا۱۱_ شماره ۳۷_ آبان ۱۴۰۱

